

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Evolution of the Semantic Network of Ghinā' and the Reconstruction of
Its Jurisprudential Subject Matter (An Interdisciplinary Study in Historical
Semantics and the Theory of Subject (Mawḍū') in Islamic Jurisprudence (Fiqh))
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تحول شبکه معنایی «غنا» و بازسازی موضوع فقهی آن (مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای در معناشناسی تاریخی و نظریه موضوع در فقه اسلامی)

حسین قنبری احمدآباد*

گروه موسیقی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶

چکیده

بیان مسئله: اختلاف گسترده فتاوی فقهی درباره «غنا» غالباً به تعارض ادله یا تفاوت در مبانی اصولی نسبت داده می‌شود. این تحلیل مبتنی بر پیش‌فرض ثبات موضوع حکم است؛ بدین معنا که مفهوم غنا در عصر صدور نصوص و در دوره‌های متأخر به واقعیتی معنایی واحد اشاره دارد.

هدف پژوهش: این پژوهش با بازاندیشی در این پیش‌فرض، در پی بررسی تحول تاریخی شبکه مفهومی غنا و تأثیر آن بر شکل‌گیری موضوع فقهی این حکم است.

روش پژوهش: پژوهش با رویکرد معناشناسی تاریخی و بر پایه نظریه میدان معنایی انجام شده است. در این چهارچوب، کاربردهای واژه غنا در چهار لایه تاریخی- ادبیات جاهلی، قرآن و روایات، فرهنگ موسیقایی دوره عباسی و متون فقهی کلاسیک- استخراج شده و روابط هم‌نشینی آن با مفاهیمی چون لحن، طرب، لهو، مجالس، مغنیه و ایقاع تحلیل شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد غنا در سیر تحول معنایی خود از معنایی توصیفی ناظر به کیفیت صوت، به معنایی ارزشی- فرهنگی در بستر مجالس لهوی و سپس به اصطلاحی فقهی برای موضوع حکم تکلیفی تبدیل شده است. براین اساس، بخشی از اختلاف فتاوی فقهی درباره غنا را می‌توان ناشی از تمرکز بر لایه‌های متفاوت این شبکه معنایی دانست، نه صرفاً تعارض در ادله. همچنین همسان‌نگاری غنا با مفهوم مدرن «موسیقی» بدون بازسازی مدلول تاریخی موضوع، با اشکال روش‌شناختی مواجه است. این مطالعه افزون بر بازخوانی مسئله غنا، چهارچوبی نظری برای تحلیل موضوعات متحول در فقه اسلامی پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی: غنا، موسیقی، تحول معنایی، میدان معنایی، موضوع‌شناسی فقهی، معناشناسی تاریخی، عرف عصر صدور.

مقدمه

صدور نصوص شرعی، همان مدلولی را داشته که در دوره‌های بعدی در متون فقهی یا در عرف معاصر فهمیده می‌شود. در نتیجه، اختلاف فقیهان صرفاً به نحوه فهم حکم نسبت داده می‌شود، نه به بازسازی موضوع اما اگر این پیش‌فرض مخدوش باشد چه؟ اگر غنا در گذر زمان دچار تحول معنایی شده باشد، آنگاه مسئله نه فقط اختلاف در استنباط، بلکه اختلاف در تلقی از موضوع خواهد بود.

در مطالعات زبان‌شناسی تاریخی، تحول معنایی پدیده‌ای فراگیر است. واژگان در بستر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و نهادی، شبکه‌ای از روابط دلالتی خود را بازآرایی می‌کنند؛ برخی مؤلفه‌های معنایی تقویت می‌شوند،

اختلاف فقیهان در باب غنا از مسائل دیرپای فقه اسلامی است. از حرمت مطلق در برخی قرائت‌های فقهی کلاسیک (انصاری، ۱۴۱۵ ه‍.ق؛ نجفی، ۱۳۶۲) تا تفصیل در مصادیق یا محدودسازی دایره حکم در برخی دیدگاه‌های متأخر، طیفی از آرا در منابع فقهی گزارش شده است. تحلیل رایج این اختلافات، آن‌ها را به تعارض ادله، تفاوت در مبانی حجیت خبر یا اختلاف در نقش عرف در تشخیص موضوع نسبت می‌دهد. با این حال، این تحلیل‌ها غالباً بر پیش‌فرضی ناگفته استوارند: ثبات موضوع حکم. این پیش‌فرض بدین معناست که واژه «غنا» در عصر

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۰۲۴۶۷۵۳، Ghanbari.hosein90@ut.ac.ir

چهارچوب نظری

• تحول معنایی به مثابه پدیده‌ای شبکه‌ای

در زبان‌شناسی تاریخی، معنا نه یک جوهر ثابت، بلکه یک ساختار پویا تلقی می‌شود که در بستر کاربردهای اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. براساس نظریه‌های تحول معنا، تغییر دلالت واژگان معمولاً به صورت خطی یا ساده رخ نمی‌دهد، بلکه در قالب بازآرایی یک شبکه مفهومی اتفاق می‌افتد (Traugott & Dasher, 2002). واژه‌ها در میدان‌های معنایی (Semantic Fields) قرار دارند و از طریق هم‌نشینی با سایر مفاهیم، بار معنایی و ارزشی خود را تثبیت یا دگرگون می‌کنند (Geeraerts, 2010). در این چهارچوب، هر واژه را می‌توان به مثابه «گره‌ای در شبکه‌ای از روابط معنایی» تحلیل کرد. این شبکه شامل مؤلفه‌های مرکزی (core meanings) و مؤلفه‌های پیرامونی (peripheral meanings) است. تحول معنایی معمولاً از طریق جابه‌جایی این مرکز و پیرامون رخ می‌دهد؛ بدین معنا که مؤلفه‌ای که پیش‌تر در حاشیه بوده، به مرکز شبکه منتقل می‌شود یا بالعکس. کاربرد این نظریه در مطالعات مفهومی دینی پیش‌تر توسط ایزوتسو (Izutsu, 2002) نشان داده شده است. او با تحلیل میدان معنایی مفاهیم قرآنی، نشان داد فهم دقیق مفاهیم دینی مستلزم بازسازی شبکه مفهومی آن‌ها در بستر تاریخی زبان عربی است. این رویکرد می‌تواند به طور مشابه در بازخوانی مفاهیم فقهی به کار گرفته شود.

در پرتوی این نظریه، پرسش اصلی درباره غنا چنین صورت می‌گیرد:

چگونه واژه غنا در طول تاریخ در میدان معنایی قرار داشته یا شبکه مفهومی آن دچار بازآرایی شده است؟

• میدان معنایی و نقش هم‌نشینی مفهومی

میدان معنایی به مجموعه‌ای از واژگان و مفاهیمی اطلاق می‌شود که در یک حوزه تجربی یا فرهنگی مشترک قرار دارند و از طریق روابط هم‌نشینی (collocation) و تقابل، معنا می‌یابند. برای مثال، واژه غنا در برخی متون با «لحن»، «ترجیع» و «تطریب» هم‌نشین است؛ در برخی دیگر با «لهو»، «مجالس»، «مغنیه» و «فسق» و در دوره‌های بعد با «موسیقی»، «ایقاع» و «الحن».

این تغییر در هم‌نشینی‌ها نشان‌دهنده جابه‌جایی میدان معنایی است. در مرحله‌ای، غنا در میدان «کیفیت صوت» قرار دارد؛ در مرحله‌ای دیگر در میدان «رفتار فرهنگی لهوی» و در نهایت در میدان «اصطلاح فقهی». بنابراین، تحلیل تحول معنایی مستلزم بررسی این هم‌نشینی‌ها در لایه‌های تاریخی مختلف است.

در این پژوهش، شبکه معنایی غنا نه براساس یک تعریف لغوی منفرد، بلکه از طریق بررسی نظام‌مند روابط آن با مفاهیم مجاور بازسازی می‌شود. بدین ترتیب، به جای تمرکز بر «تعریف جامع و مانع»، بر ساختار شبکه‌ای معنا تأکید می‌شود.

برخی تضعیف و گاه بار ارزشی تازه‌ای به واژه افزوده می‌شود (Traugott & Dasher, 2002; Geeraerts, 2010). معنا نه

یک جوهر ثابت، بلکه یک ساختار شبکه‌ای پویاست که در تعامل با بافت‌های کاربردی شکل می‌گیرد. کاربرد این رویکرد در مطالعات قرآنی و مفهومی پیش‌تر توسط پژوهشگرانی چون ایزوتسو (Izutsu, 2002) نشان داده شده است؛ وی با تحلیل میدان معنایی مفاهیم قرآنی، تحول شبکه مفهومی آن‌ها را در بستر زبان عربی جاهلی و اسلامی بازسازی کرد. باین حال، در مطالعات فقهی، به‌ویژه در مسئله غنا، چنین رویکردی کمتر به صورت نظام‌مند به کار گرفته شده است. مسئله غنا از این منظر نمونه‌ای شاخص است. بررسی منابع لغوی نشان می‌دهد غنا در برخی استعمالات به کیفیتی از صوت و ترجیع اطلاق شده است (ابن منظور، بی تا). در برخی روایات، این واژه در بافت مجالس لهوی و مغنیان حرفه‌ای به کار رفته است (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه.ق). در متون فقهی، به تدریج به عنوانی اصطلاحی برای موضوع حکم تکلیفی تثبیت شده است. هم‌زمان، در سنت فلسفی اسلامی، «موسیقی» دانشی نظری درباره نظام الحان و ایقاعات تلقی می‌شود (فارابی، ۱۴۰۷ ه.ق؛ ابن سینا، ۱۳۷۵ ه.ق) که لزوماً با معنای فقهی غنا هم‌پوشانی کامل ندارد. این هم‌نشینی مفهومی و تحول شبکه معنایی، زمینه‌ای برای بروز اختلاف در تلقی از موضوع فراهم می‌آورد. اگر فقهی لایه «کیفیت صوت مطرب» را محور قرار دهد، دایره حکم را به شکلی خاص ترسیم خواهد کرد؛ اگر دیگری لایه «بافت فرهنگی لهوی» را برجسته کند، نتیجه متفاوتی خواهد گرفت. بنابراین، اختلاف فتاوا ممکن است نه صرفاً در حکم، بلکه در بازسازی موضوع ریشه داشته باشد. به خصوص زمانی که مفهوم موسیقی با غنا و دایره کارگان موسیقی قرن بیستم مورد توجه قرار می‌گیرد، اهمیت موضوع دوچندان می‌شود.

براین اساس، پرسش محوری این پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود: اختلاف فتاوی فقهی درباره غنا ریشه در چه موضوعی دارد؟ فرضیه پژوهش آن است که این موضوع تا حدی ناشی از تحول شبکه معنایی این واژه و تفاوت در تلقی از موضوع حکم است.

برای پاسخ به این پرسش، لازم است نخست شبکه معنایی تاریخی غنا بازسازی شود، سپس نسبت این تحول با نظریه موضوع در اصول فقه تحلیل گردد. این مطالعه می‌کوشد با بهره‌گیری از معناشناسی تاریخی و تحلیل میدان معنایی، الگویی برای بازسازی موضوعات متحول در فقه اسلامی ارائه کند؛ الگویی که می‌تواند در موضوعات دیگری همچون لهو، قمار، تصویر و مفاهیم اقتصادی نوپدید نیز کاربرد یابد. از این رو، اهمیت این پژوهش صرفاً محدود به مسئله غنا نیست، بلکه به یکی از مسائل بنیادین روش‌شناسی فقه، یعنی نسبت میان تحول عرفی مفاهیم و ثبات یا تحول موضوع حکم می‌پردازد.

نظریه موضوع در اصول فقه و مسئله تحول آن

• تمایز میان حکم و موضوع در ساختار استنباط

در ساختار گزاره‌های فقهی، حکم شرعی بر موضوع مترتب می‌شود. در تحلیل اصولی، موضوع گاه مفهومی شرعی (مانند صلاه) و گاه مفهومی عرفی (مانند بیع، لهو، غنا) است. در مواردی که موضوع از سنخ مفاهیم عرفی باشد، فهم دقیق مدلول عرفی آن، مقدمه ضروری برای استنباط حکم است. اصولیانی بر این نکته تأکید کرده‌اند که «تشخیص موضوع» غالباً به عرف واگذار می‌شود، نه به جعل شارع (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ه.ق). از این رو، هرگونه ابهام یا تحول در مدلول عرفی، می‌تواند بر دامنه حکم تأثیر بگذارد. مسئله اساسی این است که آیا عرف مورد نظر، عرف زمان صدور است یا عرف متأخر؟

• عرف عصر صدور و مسئله انطباق موضوع

در نظریه اصولی، اصل بر آن است که الفاظ نصوص براساس عرف مخاطبان اولیه فهمیده می‌شوند. بنابراین، مدلول موضوع در ادله، تابع عرف عصر صدور است. با این حال، در مقام تطبیق بر مصادیق جدید، عرف متأخر نیز نقشی ایفا می‌کند؛ زیرا تشخیص صدق عنوان بر مصادیق، امری عرفی است. این دو سطح را باید از یکدیگر تفکیک کرد: نخست سطح فهم مدلول لفظ در نص (وابسته به عرف عصر صدور)؛ دوم سطح انطباق عنوان بر مصادیق خارجی (وابسته به عرف فعلی).

اگر واژه‌ای مانند غنا در طول زمان دچار تحول معنایی شود، ممکن است عرف متأخر دایره‌ای گسترده‌تر یا محدودتر از مدلول اولیه برای آن قائل شود. در این صورت، اگر بدون بازسازی مدلول اولیه، حکم را بر معنای جدید تطبیق دهیم، خطر توسعه یا تضییق ناصواب حکم وجود دارد.

• تحول موضوع و تغییر حکم

در مواجهه با تحول مفاهیم عرفی، دو حالت قابل تصور است: **حالت اول (ثبات مدلول):** تحول مصادیق در این حالت، معنای واژه ثابت است اما مصادیق خارجی تغییر کرده‌اند. در این صورت، حکم به مصادیق جدید نیز سرایت می‌کند، مشروط به صدق عنوان.

حالت دوم (تحول مدلول): در این حالت، شبکه معنایی واژه تغییر کرده است. در این صورت، ممکن است آنچه در عرف جدید غنا نامیده می‌شود، دقیقاً همان چیزی نباشد که در عصر صدور چنین نامیده می‌شده است. در این وضعیت، نمی‌توان به سادگی حکم را تعمیم داد، بلکه باید بررسی کرد که آیا اتحاد موضوع برقرار است یا خیر. ادعای این پژوهش آن است که درباره غنا، دست کم بخشی از مسئله در چهارچوب حالت دوم قابل تحلیل است؛ یعنی تحول مدلول در میدان معنایی این واژه رخ داده است.

• تحول معنا و بار ارزشی (Semantic Evaluation Shift)

یکی از انواع مهم تحول معنایی، انتقال ارزشی (evaluation shift) است؛ یعنی واژه‌ای که در اصل خنثی یا توصیفی بوده، در اثر تغییر بافت اجتماعی بار ارزشی مثبت یا منفی پیدا می‌کند (Blank, 1999). این پدیده در بسیاری از مفاهیم دینی و اخلاقی رخ داده است.

درباره غنا، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این واژه در اصل صرفاً ناظر به کیفیت صوت بوده و در اثر پیوند با مجالس خاص، بار ارزشی منفی یافته است؟ اگر چنین باشد، آنگاه بخشی از مدلول منفی آن، محصول بافت اجتماعی تاریخی است، نه ذات کیفیت صوت. تحلیل این انتقال ارزشی برای بازسازی موضوع حکم اهمیت بنیادین دارد؛ زیرا ممکن است موضوع حکم در نصوص، نه کیفیت صوت به خودی خود، بلکه رفتار فرهنگی خاصی بوده باشد.

• نسبت تحول معنا با نظریه موضوع در اصول فقه

در اصول فقه، یکی از مباحث بنیادین، نقش عرف در تعیین موضوع حکم است. اگر موضوع حکم، مفهومی عرفی باشد، تشخیص مصادیق آن به عرف واگذار می‌شود اما اگر عرف در گذر زمان دچار تحول شود، مسئله پیچیده می‌شود یعنی آیا باید به عرف زمان صدور رجوع کرد یا عرف متأخر؟ برای نمونه، برداشت از یک مکتب موسیقی در غرب همچون سونور ممکن است با عرف زمان صدور حکم همسان نباشد. چراکه این پدیده اصولاً محق مناقشه جدی حتی بین موسیقی شناسان است.

برخی اصولیان بر اهمیت عرف عصر صدور در فهم مدلول نص تأکید کرده‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ه.ق)، در حالی که برخی دیگر نقش عرف متأخر را در تشخیص مصادیق برجسته دانسته‌اند. این اختلاف نظری، در مسئله غنا اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا اگر مدلول عرفی غنا در عصر صدور محدود به بافت خاصی بوده باشد، تعمیم آن به همه اشکال موسیقی در عرف معاصر، نیازمند اثبات اتحاد موضوع است. بدین ترتیب، تحلیل تحول معنایی می‌تواند به عنوان ابزاری کمکی در بازسازی عرف عصر صدور به کار رود و به روشن شدن قلمروی موضوع حکم کمک کند.

• چهارچوب مفهومی پژوهش

براساس مبانی فوق، چهارچوب تحلیلی این مطالعه بر سه محور استوار است:

- ۱) بازسازی میدان معنایی تاریخی غنا در لایه‌های مختلف؛
- ۲) تحلیل انتقال از معنای توصیفی به ارزشی و سپس اصطلاحی؛
- ۳) بررسی پیامدهای این تحول برای نظریه موضوع در فقه اسلامی.

در بخش‌های بعدی، این چهارچوب بر داده‌های تاریخی، لغوی، روایی و موسیقی‌شناختی اعمال خواهد شد تا تصویر دقیق‌تری از تحول شبکه معنایی غنا ارائه گردد.

در این دوره «کیفیت آوایی» است، نه «کارکرد فرهنگی لهوی». به بیان معناشناختی، مؤلفه «ارزش‌گذاری منفی» هنوز در مرکز شبکه قرار نگرفته است. در این لایه، می‌توان از «مرحله توصیفی» سخن گفت؛ جایی که غنا دلالتی خنثی یا توصیفی دارد.

• انتقال به میدان ارزشی در روایات

با ورود به متون روایی، شبکه معنایی غنا دچار گسترش می‌شود. در برخی روایات، غنا در کنار مفاهیمی چون «لهو الحدیث»، «قول زور» و «مجالس» قرار می‌گیرد (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه.ق). این هم‌نشینی نشان‌دهنده انتقال واژه به میدان «رفتار فرهنگی» است. در این مرحله، عنصر «بافت اجتماعی اجرا» به شبکه معنایی افزوده می‌شود:

غنا ← لهو ← مجالس ← مغنیه ← طرب

به‌ویژه در روایات مربوط به «کسب المغنیه»، غنا نه صرفاً کیفیت صوت، بلکه حرفه‌ای اجتماعی در بستر مجالس خاص تلقی می‌شود. بنابراین، مؤلفه زمینه فرهنگی به مرکز شبکه نزدیک می‌شود. از منظر معناشناسی تاریخی، این مرحله را می‌توان نمونه‌ای از تحول ارزشی دانست؛ یعنی واژه‌ای که پیش‌تر خنثی بوده، در اثر پیوند با بافت‌های خاص، بار ارزشی منفی می‌یابد (Blank, 1999). نکته مهم آن است که در همین متون، روایاتی درباره «تغنی بالقرآن» نیز وجود دارد که نشان می‌دهد کیفیت صوت به‌خودی‌خود موضوع حرمت نیست. این تنوع کاربرد نشان می‌دهد شبکه معنایی هنوز کاملاً تثبیت نشده و در حال بازآرایی است.

• دوره عباسی (تثبیت فرهنگی معنای لهوی)

در دوره عباسی، با شکل‌گیری نظام‌های پیشرفته الحان و ایقاعات و حضور مغنیان حرفه‌ای در دربار، غنا بیش از پیش با فرهنگ طرب درباری پیوند می‌خورد. در این دوره، مفاهیمی چون «ندیم»، «شراب»، «آلات لهو» و «مجلس» در کنار غنا به کار می‌روند. هم‌زمان، در سنت فلسفی اسلامی، موسیقی به‌عنوان دانشی نظری درباره نظام الحان و ایقاعات مطرح می‌شود (فارابی، ۱۴۷ ه.ق؛ ابن سینا، ۱۳۷۵ ه.ق). این دو حوزه مفهومی (فرهنگی-لهوی و نظری-علمی) در کنار یکدیگر وجود دارند اما کاملاً هم‌پوشان نیستند. در این مرحله، می‌توان گفت مؤلفه رفتار فرهنگی لهوی در شبکه معنایی غنا به مؤلفه‌ای مرکزی تبدیل می‌شود، درحالی‌که مؤلفه صرف کیفیت صوت به حاشیه رانده می‌شود.

• تثبیت اصطلاحی در فقه کلاسیک

در متون فقهی کلاسیک، تلاش‌هایی برای ارائه تعریف دقیق از غنا دیده می‌شود. برخی فقیهان آن را «مد الصوت مع الترجیع المطرب» تعریف کرده‌اند و برخی «لحن أهل الفسوق» را معیار دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق؛ نراقی، ۱۴۱۵ ه.ق). در این مرحله، واژه غنا از یک مفهوم سیال عرفی به یک اصطلاح فقهی تبدیل می‌شود. این تثبیت اصطلاحی معمولاً با انتخاب برخی مؤلفه‌های

• نقش عنصر «بافت اجتماعی» در تعیین موضوع

یکی از نکات مهم در نظریه‌های جدید معناشناسی آن است که معنا صرفاً محصول تعریف واژه نیست، بلکه در بستر کاربرد اجتماعی تثبیت می‌شود (Geeraerts, 2010). این نکته با برخی تحلیل‌های فقهی درباره «لحن اهل فسق» یا «مناسب مجالس لهو» هم‌پوشانی دارد؛ زیرا در این تعابیر، بافت فرهنگی و اجتماعی اجرا در تعیین موضوع نقش اساسی دارد.

اگر موضوع حکم در روایات ناظر به رفتار فرهنگی خاصی در مجالس لهوی بوده باشد، آنگاه جداسازی عنصر کیفیت صوت از بافت اجتماعی می‌تواند به تغییر قلمروی موضوع منجر شود. به بیان دیگر، حذف زمینه اجتماعی ممکن است به تبدیل یک مفهوم مرکب (کیفیت + بافت) به مفهومی تک‌بعدی (صرف کیفیت صوت) بی‌انجامد.

• مسئله غنا به مثابه نمونه‌ای از موضوع متحول

براساس آنچه گفته‌شد، مسئله غنا نمونه‌ای مناسب برای بررسی نظریه «موضوع متحول» در فقه است. اگر نشان داده شود در دوره‌ای، غنا در میدان کیفیت صوت قرار داشته؛ در دوره‌ای دیگر، در میدان رفتار فرهنگی لهوی و سپس در فقه به عنوانی اصطلاحی تثبیت شده است؛ آنگاه اختلاف فتاوا می‌تواند ناشی از تمرکز بر این لایه‌های متفاوت باشد. در این صورت، تحلیل اختلافات فقهی صرفاً با ارجاع به دلالت ادله کافی نخواهد بود، بلکه بازسازی تاریخی موضوع نیز ضرورت می‌یابد.

• ضرورت بازسازی تاریخی موضوع

براین‌اساس، پیش‌از داوری درباره نسبت غنا و موسیقی، باید مدلول عرفی غنا در عصر صدور نصوص بازسازی شود. این بازسازی صرفاً از طریق نقل یک یا دو تعریف لغوی ممکن نیست، بلکه نیازمند تحلیل شبکه‌ای هم‌نشینی‌های مفهومی در لایه‌های تاریخی است. در بخش بعد، این بازسازی تاریخی با بررسی دقیق داده‌های لغوی، ادبی و روایی انجام خواهد شد تا روشن شود غنا در هر دوره در چه میدان معنایی قرار دارد.

بازسازی تاریخی شبکه معنایی غنا

• غنا در لایه پیش‌اسلامی (میدان کیفیت صوت)

بررسی منابع لغوی و شواهد ادبی جاهلی نشان می‌دهد غنا در کاربردهای اولیه خود، بیش از آنکه عنوانی ارزشی باشد، ناظر به کیفیتی خاص از صوت بوده است. در لسان العرب، غنا به «ترجیع الصوت» و «تحسین الصوت بالشعر» تعریف شده است (ابن منظور، بی‌تا). در «النهایه» نیز بر عنصر کشش و ترجیع صوت تأکید شده است (ابن اثیر، ۱۳۸۳ ه.ق). در این مرحله، غنا در میدان معنایی زیر قرار دارد:

غنا ← لحن ← ترجیع ← شعر ← حداء

حدا (آواز شتربانان) نمونه‌ای مهم است؛ زیرا کارکردی عملی و غیرلهوی داشته است. این هم‌نشینی نشان می‌دهد عنصر مرکزی

در این دسته، غنا در میدان معنایی «لهو» قرار می‌گیرد. نکته مهم آن است که در این تطبیق، عنصر «اضلال» و «انصراف از ذکر الهی» برجسته است. از منظر معناشناختی، این هم‌نشینی نشان می‌دهد غنا در این لایه، نه صرفاً کیفیت صوت، بلکه رفتاری با کارکرد فرهنگی خاص تلقی شده است. بنابراین، عنصر ارزشی در مرکز شبکه قرار دارد اما باید توجه داشت تطبیق لهو الحدیث بر غنا، یک تطبیق تفسیری است، نه تصریح لفظی قرآن به غنا. این امر نشان می‌دهد فهم معنای غنا در این دسته، وابسته به بافت فرهنگی عصر صدور است.

• روایات کسب المغنیه (عنصر بافت اجتماعی)

دسته دوم شامل روایاتی است که درباره حرمت کسب مغنیه یا حضور در مجالس غنا سخن می‌گویند. در این روایات، غنا در پیوند با عناصری ظاهر می‌شود که شامل: حرفه بودن اجرا، حضور در مجالس خاص و پیوند با سایر رفتارهای لهوی. در اینجا، عنصر بافت اجتماعی در تعیین موضوع نقش محوری دارد. غنا نه به‌عنوان صرف کیفیت صوت، بلکه به‌عنوان یک کنش فرهنگی-اجتماعی موضوع حکم است. از منظر نظریه میدان معنایی، در این مرحله مؤلفه «زمینه اجرا» در مرکز شبکه قرار دارد. بنابراین، حذف این مؤلفه و تمرکز صرف بر کیفیت صوت، می‌تواند به تغییر قلمروی موضوع منجر شود.

• روایات «تغنی بالقرآن» (تفکیک کیفیت از کارکرد)

در مقابل، روایاتی وجود دارد که مؤمنان را به «تغنی بالقرآن» تشویق می‌کند. در این موارد، بهبود صوت و ترجیع در قرائت قرآن نه‌تنها مذموم نیست، بلکه مطلوب تلقی شده است. این دسته از روایات نشان می‌دهد عنصر ترجیع صوت به‌خودی‌خود موضوع حرمت نیست؛ بلکه آنچه مذموم است، پیوند آن با بافت خاص فرهنگی و کارکرد لهوی است. این امر از منظر تحلیل شبکه معنایی اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد کیفیت صوت، مؤلفه‌ای مشترک میان دو میدان معنایی متفاوت است: یکی دینی و دیگری لهوی. بدین ترتیب، می‌توان گفت شبکه معنایی غنا در عصر صدور، چندلایه و سیال بوده و به یک تعریف تک‌بعدی فروکاستنی نیست.

• تحلیل دلالتی (کیفیت، طرب یا بافت؟)

با مقایسه سه دسته روایات، سه احتمال درباره موضوع حکم پدید می‌آید: موضوع حکم، کیفیت صوت مطرب است؛ موضوع حکم، رفتار فرهنگی خاص در مجالس لهو است یا موضوع حکم، ترکیبی از کیفیت صوت و بافت اجتماعی است. اختلاف فقیهان را می‌توان در پرتوی این سه قرائت بازخوانی کرد. کسانی که بر مطرب‌بودن تأکید کرده‌اند، به احتمال اول نزدیک شده‌اند؛ کسانی که مناسب مجالس لهو را معیار دانسته‌اند، به احتمال دوم یا سوم گرایش یافته‌اند. این تنوع قرائت نشان می‌دهد شبکه معنایی غنا در عصر صدور دارای مؤلفه‌های متعددی بوده و فقیهان در بازسازی موضوع، بر عناصر متفاوتی تأکید کرده‌اند.

معنایی و حذف برخی دیگر همراه است. برای مثال، تمرکز بر «مطرب‌بودن» می‌تواند مؤلفه عاطفی را به مرکز شبکه بیاورد، در حالی که تمرکز بر مجالس لهو عنصر بافت اجتماعی را برجسته می‌کند. بدین ترتیب، شبکه معنایی غنا در فقه کلاسیک بازسازی می‌شود اما این بازسازی لزوماً منطبق با کل تاریخ استعمال واژه نیست.

• هم‌نشینی متأخر غنا و موسیقی

در دوره‌های متأخر، به‌ویژه در مواجهه با مفاهیم مدرن، موسیقی به‌عنوان مفهومی عام‌تر وارد گفتمان فقهی می‌شود. در حالی که در سنت فلسفی، موسیقی دانشی نظری بوده است، در عرف جدید، این واژه بر انواع گسترده‌ای از هنر صوتی (اعم از سازی و آوازی) اطلاق می‌شود. همسان‌انگاری این مفهوم گسترده با غنا (که در متون روایی و فقهی معنای خاص‌تری داشته) می‌تواند به توسعه دامنه حکم بی‌انجامد، بی‌آنکه اتحاد موضوع اثبات شده باشد. براساس شواهد تاریخی، می‌توان سه مرحله در تحول شبکه معنایی غنا تشخیص داد:

مرحله توصیفی صوتی (کیفیت و ترجیع صوت)؛

مرحله ارزشی- فرهنگی (رفتار لهوی در مجالس خاص)؛

مرحله اصطلاحی- فقهی (موضوع حکم تکلیفی).

این تحول شبکه‌ای نشان می‌دهد معنای غنا ایستا نبوده، بلکه در بستر تاریخ دچار بازآرایی شده است. بنابراین، اختلاف فتاوا می‌تواند بازتاب تمرکز بر لایه‌های متفاوت این شبکه معنایی باشد.

تحلیل روایات

در این بخش باید نشان دهیم ادعای تحول معنایی، با بررسی دقیق داده‌های روایی قابل دفاع است و صرفاً یک فرض نظری نیست.

• تحلیل تطبیقی روایات غنا (بازسازی دلالتی و بافت اجتماعی)

در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، روایات متعددی درباره غنا نقل شده است که از حیث مضمون، بافت اجتماعی و دلالت، یکسان نیستند. یکی از مشکلات تحلیل فقهی این روایات آن است که غالباً به‌صورت تجمیعی مورد استناد قرار می‌گیرند، بی‌آنکه از حیث میدان معنایی و بافت صدور تفکیک شوند. در این پژوهش، روایات مرتبط با غنا در سه دسته متمایز تحلیل می‌شوند: روایات تفسیری (ناظر به تطبیق مفاهیمی چون لهو الحدیث)، روایات ناظر به حرفه مغنیه و مجالس لهو، روایات مربوط به تغنی قرآن و بهبود صوت. این تفکیک امکان بازسازی دقیق‌تر مدلول موضوع را فراهم می‌کند.

• روایات تفسیری (لهو الحدیث و بار ارزشی)

در برخی روایات، آیه «و من الناس من یشتری لهو الحدیث...» (لقمان، ۶) بر غنا تطبیق داده شده است (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه.ق.).

اجرای زمینه روانی شنونده در سنت موسیقی کلاسیک اسلامی است و بسیاری از مقامات با حالات عاطفی خاصی مرتبط بوده‌اند؛ با این حال، این پیوند لزوماً بار ارزشی منفی نداشته است. بنابراین، طرب به مثابه برانگیختگی عاطفی، مفهومی گسترده و سیال است و نمی‌توان آن را به صورت مطلق ملاک حرمت دانست. این نکته اهمیت دارد؛ زیرا اگر مطرب بودن به عنوان معیار اصلی غنا تلقی شود، باید تبیین شود کدام نوع برانگیختگی عاطفی موضوع حکم است و چگونه از سایر تجربه‌های هنری یا دینی متمایز می‌شود.

• عنصر «بافت اجرا» در تحلیل موسیقی شناختی

مطالعات مردم‌موسیقی‌شناسی نشان داده‌اند معنا و کارکرد موسیقی وابسته به زمینه اجتماعی اجراست. یک ساختار صوتی مشابه می‌تواند در بافتی آیینی معنایی قدسی داشته باشد و در بافتی دیگر معنایی تفننی یا لهنوی. این یافته با تحلیل روایی پیشین هم‌خوانی دارد: در بسیاری از روایات، آنچه مورد نکوهش قرار گرفته، پیوند غنا با مجالس خاص و رفتارهای همراه آن است. بنابراین، می‌توان گفت در شبکه معنایی تاریخی غنا، بافت اجتماعی عنصری تعیین‌کننده بوده است.

• مدل تحلیلی پیشنهادی (سه مؤلفه در تعریف غنا)

براساس تحلیل میان‌رشته‌ای، می‌توان سه مؤلفه برای بازسازی تاریخی مفهوم غنا پیشنهاد کرد:

مؤلفه صوتی (ترجیع، تحریر، مد صوت)، مؤلفه عاطفی (طرب و برانگیختگی) و مؤلفه بافتی (مجالس و زمینه فرهنگی اجرا). اختلاف فقیهان را می‌توان براساس تأکید بر هر یک از این مؤلفه‌ها تحلیل کرد. اگر مؤلفه بافتی در مرکز قرار گیرد، دامنه حکم محدودتر خواهد بود؛ اگر مؤلفه صوتی یا عاطفی محور قرار گیرد، دامنه گسترده‌تر می‌شود. این مدل نشان می‌دهد مسئله غنا صرفاً اختلاف در یک تعریف لفظی نیست، بلکه اختلاف در تعیین مؤلفه مرکزی شبکه معنایی است.

• پیامد برای نسبت غنا و موسیقی معاصر

در موسیقی معاصر، گونه‌های متنوعی وجود دارد: آیینی، سنتی، کلاسیک، پاپ، حماسی و غیره. اگر مفهوم تاریخی غنا را مفهومی مرکب و زمینه‌مند بدانیم، آنگاه نمی‌توان به صورت کلی حکم واحدی درباره تمام این گونه‌ها صادر کرد، مگر آن که اتحاد موضوع با مدلول تاریخی اثبات شود. بدین ترتیب، تحلیل موسیقی‌شناختی نشان می‌دهد تعمیم حکم غنا به کل مفهوم مدرن موسیقی، نیازمند بازسازی دقیق مؤلفه‌های معنایی است.

مدل مفهومی تحول شبکه معنایی غنا و تبیین اختلاف فتاوا

• از تحلیل تاریخی تا صورت‌بندی نظری

براساس تحلیل‌های پیشین، روشن شد واژه غنا در بستر تاریخی خود دچار جابه‌جایی در مرکز شبکه معنایی شده است. در مرحله نخست، مؤلفه کیفیت صوت در مرکز قرار داشت؛ در مرحله

• نتیجه تحلیلی بخش روایی

تحلیل دسته‌بندی‌شده روایات نشان می‌دهد غنا در برخی بافت‌ها بار ارزشی منفی یافته است؛ کیفیت صوت به خودی خود موضوع حرمت نبوده است؛ عنصر بافت فرهنگی در برخی روایات نقش تعیین‌کننده دارد. براین اساس، می‌توان گفت مدلول غنا در عصر صدور، مفهومی مرکب و زمینه‌مند بوده است. بنابراین، تعمیم آن به تمامی اشکال موسیقی مدرن، بدون بازسازی دقیق مؤلفه‌های مرکزی این شبکه معنایی، با دشواری روش‌شناختی مواجه است.

تحلیل موسیقی‌شناختی تطبیقی (غنا، طرب و ساختار صوتی)

• تمایز مفهومی غنا و موسیقی در سنت اسلامی

در سنت فلسفی اسلامی، موسیقی شاخه‌ای از ریاضیات تلقی می‌شد که به مطالعه نسبت‌های صوتی، فواصل، الحان و ایقاعات می‌پرداخت (فارابی، ۱۴۷ه.ق؛ ابن سینا، ۱۳۷۵ه.ق). در این چهارچوب، موسیقی دانشی نظری درباره ساختار صوت است، نه لزوماً کنشی فرهنگی یا لهنوی. در مقابل، غنا در بسیاری از متون روایی و فقهی، به رفتار اجرایی خاصی اطلاق می‌شود که با عنصر طرب و بافت اجتماعی مجالس همراه است. بنابراین، از منظر مفهومی، این دو واژه دارای خاستگاه‌های متفاوت‌اند:

۱) موسیقی: ساختار نظری صوت (Melodic & Rhythmic Structure)

۲) غنا: کنش اجرایی آوازی در بافت اجتماعی خاص
این تمایز نشان می‌دهد همسان‌انگاری کامل این دو، نیازمند استدلال مضاعف است.

• عنصر «ترجیع» و ساختار آوایی در تعاریف لغوی

عنصر «ترجیع» و ساختار آوایی در بسیاری از تعاریف لغوی، غنا با ترجیع الصوت تعریف شده است (ابن منظور، بی تا). از منظر موسیقی‌شناسی، ترجیع را می‌توان نوعی نوسان یا تحریر آوایی دانست که به تغییرات ظریف زیروبمی و کشش در اجرای صوت مربوط می‌شود. در موسیقی دستگاهی ایرانی یا در سنت مقامی عربی، تحریر و تزئینات آوایی (ornamentation) بخشی از بیان موسیقایی‌اند اما این ویژگی به تنهایی نه نشانگر لهنوی بودن است و نه ملاک ارزشی خاصی دارد. تحریر می‌تواند در قرائت قرآن، مدیحه‌سرایی، نوحه یا آواز کلاسیک نیز به کار رود. بنابراین، اگر ترجیع به عنوان مؤلفه اصلی غنا تلقی شود، دامنه آن بسیار گسترده خواهد بود و شامل حوزه‌های دینی نیز می‌شود. این امر با وجود روایات «تغنی بالقرآن» قابل جمع است.

• مفهوم «طرب» و برانگیختگی عاطفی

یکی از عناصر تکرار‌شونده در تعاریف فقهی، مطرب بودن است. از منظر موسیقی‌شناسی، طرب را می‌توان نوعی برانگیختگی عاطفی ناشی از تجربه صوتی دانست اما تجربه طرب وابسته به عوامل متعددی همچون ساختار ملودیک، ریتم، ایقاع، بافت اجتماعی،

مطالعه نشان می‌دهد تحلیل تحول معنا می‌تواند ابزاری تبیینی برای فهم اختلافات فقهی فراهم آورد، بی‌آن‌که لزوماً در مقام ترجیح یکی از دیدگاه‌ها برآید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بازتعریف مسئله غنا در سطحی فراتر از اختلاف در ادله، کوشید نشان دهد بخشی از مناقشه فقهی در این باب به نحوه بازسازی موضوع حکم بازمی‌گردد. برخلاف تحلیل‌های رایج که اختلاف فتاوا را عمدتاً ناشی از تعارض روایات یا تفاوت در مبانی اصولی می‌دانند، این مطالعه نشان داد واژه غنا در بستر تاریخی خود دچار نوعی تحول شبکه‌ای شده و از معنایی توصیفی درباره کیفیت صوت، به مفهومی ارزشی - فرهنگی و سپس به اصطلاحی فقهی تبدیل شده است. تحلیل معناشناختی تاریخی نشان می‌دهد شبکه معنایی غنا دست‌کم از سه مؤلفه اصلی تشکیل شده است: مؤلفه صوتی (ترجیع و تحریر)، مؤلفه عاطفی (طرب) و مؤلفه بافتی (زمینه فرهنگی اجرا). اختلاف دیدگاه فقیهان را می‌توان تا حدی ناشی از تمرکز هریک بر یکی از این مؤلفه‌ها به عنوان عنصر مرکزی این شبکه دانست. از این منظر، مسئله تنها اختلاف در حکم نیست، بلکه اختلاف در تعیین مرکز شبکه معنایی موضوع است.

همچنین بررسی تطبیقی مفهوم غنا و موسیقی نشان می‌دهد این دو دارای خاستگاه‌های مفهومی متفاوت‌اند. موسیقی در سنت نظری اسلامی دانشی ناظر به ساختار و نظام صوتی بوده است، درحالی‌که غنا در بسیاری از متون روایی به کنشی اجرایی در بافتی فرهنگی خاص اشاره دارد. براین اساس، تعمیم حکم غنا به مفهوم مدرن موسیقی، بدون احراز اتحاد موضوع، با چالش روش‌شناختی مواجه خواهد بود.

از منظر اصول فقه، این پژوهش بر اهمیت بازسازی عرف عصر صدور در فهم مدلول موضوع تأکید می‌کند. در صورتی‌که تحول مدلول واژه‌ای عرفی اثبات شود، لازم است میان فهم مدلول اولیه و تطبیق آن بر مصادیق جدید تفکیک شود. بی‌توجهی به این تمایز می‌تواند به توسعه یا تضییق ناصواب دامنه حکم بی‌انجامد. این مطالعه تلاش کرد در مدل «تحلیل شبکه معنایی تاریخی» برای بازسازی موضوعات فقهی پیشنهاد دهد این مدل، با تلفیق معناشناسی تاریخی، تحلیل میدان معنایی و نظریه موضوع در اصول فقه، چهارچوبی میان‌رشته‌ای برای بررسی مفاهیم متحول فراهم می‌آورد. کاربرد این رویکرد محدود به مسئله غنا نیست، بلکه می‌تواند در تحلیل مفاهیمی چون لهو، قمار، تصویر، تشبه یا حتی موضوعات نوپدید اقتصادی و هنری نیز به کار گرفته شود. در افق پژوهش‌های آینده، می‌توان با بهره‌گیری از داده‌های گسترده‌تر متنی و حتی روش‌های تحلیل پیکره‌ای (corpus-based analysis)، تصویر دقیق‌تری از شبکه معنایی تاریخی غنا ترسیم کرد. همچنین، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فقهی

دوم، مؤلفه بافت فرهنگی لهوی برجسته شد و در مرحله سوم، این مفهوم در قالب اصطلاح فقهی تثبیت گردید. این تحول را می‌توان به صورت یک مدل سه‌لایه‌ای صورت‌بندی کرد:

لایه نخست: هسته صوتی یعنی ترجیع، تحریر و مدّ صوت
لایه دوم: هسته عاطفی - فرهنگی یعنی طرب، مجالس، مغنیه و کارکرد لهوی

لایه سوم: تثبیت اصطلاحی فقهی، لحن اهل فسق، مناسب مجالس لهو و عنوان موضوع حکم

این مدل نشان می‌دهد اختلاف در تعریف غنا، درواقع اختلاف در تعیین مرکز شبکه معنایی است.

• بازخوانی اختلاف فقیهان در پرتوی مدل شبکه‌ای

اگر مدل فوق را بر آرای فقهی تطبیق دهیم، می‌توان دید: فقیهانی که غنا را «مدّ الصوت مع الترجیع المطرب» تعریف کرده‌اند، بر لایه صوتی - عاطفی تمرکز کرده‌اند. کسانی که مناسب مجالس لهو را معیار دانسته‌اند، لایه فرهنگی را مرکز شبکه قرار داده‌اند. برخی نیز با ترکیب این عناصر، تعریف مرکب ارائه کرده‌اند. در نتیجه، اختلاف فتاوا را می‌توان نه صرفاً تعارض در دلالت ادله، بلکه نتیجه تفاوت در بازسازی شبکه معنایی موضوع دانست.

• مسئله اتحاد موضوع در مواجهه با موسیقی مدرن

مدل شبکه‌ای امکان تحلیل دقیق‌تری از نسبت غنا و موسیقی مدرن فراهم می‌کند. برای سرایت حکم از غنا به یک گونه موسیقایی جدید، باید بررسی شود که:

۱) چه مؤلفه‌های مرکزی شبکه تاریخی در آن مصداق وجود دارد؟

۲) آیا عنصر بافت فرهنگی مشابه برقرار است؟

۳) آیا صرف شباهت صوتی برای اتحاد موضوع کافی است؟ در صورتی‌که تنها مؤلفه صوتی مشترک باشد اما بافت فرهنگی و کارکرد اجتماعی متفاوت باشد، اتحاد موضوع محل تأمل خواهد بود.

• پیامدهای روش‌شناختی برای فقه اسلامی

مدل پیشنهادی این مطالعه محدود به مسئله غنا نیست. بسیاری از مفاهیم فقهی که ریشه در عرف تاریخی دارند (مانند لهو، قمار، تصویر، تشبه یا حتی برخی مفاهیم اقتصادی) ممکن است در گذر زمان دچار تحول معنایی شده باشند. از این رو، پیش از تعمیم حکم به مصادیق نوپدید، لازم است شبکه معنایی تاریخی موضوع بازسازی شود. این رویکرد می‌تواند به عنوان مرحله‌ای مقدماتی در فرایند استنباط تلقی شود؛ مرحله‌ای که میان زبان‌شناسی تاریخی و اصول فقه پیوند برقرار می‌کند.

• جمع‌بندی نظری مدل پیشنهادی

مدل شبکه معنایی تاریخی نشان می‌دهد معنا ساختاری ایستا نیست، بلکه شبکه‌ای پویاست؛ موضوع فقهی می‌تواند در بستر تحول عرفی دچار بازآرایی شود و اختلاف فتاوا در برخی موارد، ریشه در لایه‌های متفاوت این شبکه دارد. بدین ترتیب، این

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). *لسان العرب*. دار صادر.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ ه.ق). *المکاسب*. دارالکتب الإسلامیة.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ ه.ق). *وسائل الشیعة*. مؤسسه آل البيت.
- فارابی، أبو نصر محمد بن محمد. (۱۴۰۷ ه.ق). *کتاب الموسیقی الکبیر*. دارالمشرق.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*. دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، احمد. (۱۴۱۵ ه.ق). *مستند الشیعة*. مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- Blank, A. (1999). Why do new meanings occur? A cognitive typology of the motivations for lexical semantic change. In A. Blank & P. Koch (Eds.), *Historical semantics and cognition* (pp. 61–90). Mouton de Gruyter.
- Geeraerts, D. (2010). *Theories of lexical semantics*. Oxford University Press.
- Izutsu, T. (2002). *God and man in the Qur'an: Semantics of the Qur'anic worldview*. Islamic Book Trust.
- Traugott, E. C., & Dasher, R. B. (2002). *Regularity in semantic change*. Cambridge University Press.

مذاهب مختلف اسلامی در پرتوی این مدل می‌تواند به فهم عمیق‌تر ریشه‌های اختلاف در این مسئله بی‌انجامد. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد فهم دقیق موضوع، مقدمه ضروری هر داوری فقهی است و معناشناسی تاریخی می‌تواند به عنوان ابزاری روش‌شناختی در خدمت بازسازی این موضوع قرار گیرد.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌دارد در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

فهرست منابع

- آخوند خراسانی، محمدکاظم. (۱۴۰۹ ه.ق). *کفایة الأصول*. مؤسسه آل البيت.
- ابن اثیر، مجدالدین. (۱۳۸۳ ه.ق). *النهاية فی غریب الحديث والأثر*. اسماعیلیان.
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله. (۱۳۷۵ ه.ق). *جوامع علم الموسیقی*. دارالکتب المصریة.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
قنبری احمدآباد، حسین. (۱۴۰۵). تحول شبکه معنایی «غنا» و بازسازی موضوع فقهی آن (مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای در معناشناسی تاریخی و نظریه موضوع در فقه اسلامی). *باغ نظر*، ۲۳ (۱۶۰)، ۷۸-۷۱.

DOI: [10.22034/bagh.2026.581849.6034](https://doi.org/10.22034/bagh.2026.581849.6034)
URL: https://bagh-sj.com/article_246392.html

